

شیوه‌شناسی فرزندپروری از منظر امام سجاده علیه السلام

در صحیفه سجادیه

علی اکبر خدامیان آرائی^۱

چکیده

فرزندپروری یا تربیت فرزندان، نقشی بنیادین در شکل‌گیری شخصیت و زیست فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند. بخش قابل‌توجهی از آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و روانی جوامع، حاصل تربیت ناصحیح در نهاد خانواده است. آگاهی والدین از شیوه‌های صحیح تربیتی و به‌کارگیری آن‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای سالم، پویا و پیشرفته خواهد بود. از یک‌سو، نیاز همه‌جانبه انسان به تربیت، و از سوی دیگر، کمبود پژوهش‌های نظام‌مند و کاربردی در این عرصه، ضرورت تحقیقاتی جامع با محوریت متون دینی را آشکار می‌سازد. ادعیه صحیفه سجادیه، به‌عنوان بخشی از منظومه معارف اسلامی، دربردارنده اصول و شیوه‌های تربیتی متعددی هستند که قابلیت استخراج و بهره‌گیری علمی دارند. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، به بررسی مضامین تربیتی ادعیه صحیفه سجادیه پرداخته و با تمرکز بر آموزه‌های فرزندپروری از منظر امام سجاده علیه السلام، هشت روش بنیادین و تأثیرگذار در تربیت فرزند را شناسایی و تبیین کرده است. نوآوری این تحقیق، ارائه ساختاری منسجم و جامع از شیوه‌های تربیت فرزند با بهره‌گیری از نمونه‌های عینی برگرفته از ادعیه صحیفه سجادیه می‌باشد.

واژگان کلیدی: پیشگیری و کنترل، استعدادیابی، ارائه الگو، فرزندپروری، تربیت دینی، معارف اسلامی.

۳۹

حوزه

سال یازدهم / شماره ۲۹ / پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱. استادیار گروه علوم حدیث تطبیقی مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفی العالمية، قم ایران؛

(khoddamiyan@gmail.com).

مقدمه

فرزندپروری و تربیت صحیح، نقشی شگرف در سلامت و تعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند. شکوفایی استعدادها و تحقق ارزش‌های والای انسانی، در گرو تربیت صحیح است؛ تربیتی که ضمن ارتقای جسم و روح انسان، مسیر رشد متعادل را فراهم می‌سازد. در اندیشه اسلامی، فرد بی‌بهره از تربیت، همچون انسانی سرگردان در بیابانی خشک و بی‌نشانه است که راهی به سوی مقصد نمی‌شناسد.

سلامت فرد و جامعه به تربیتی بستگی دارد که بتواند نیازهای معرفتی، اخلاقی، روانی و اجتماعی انسان را پاسخ دهد. تمامی کنش‌های فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و روحی افراد، در پیوندی مستقیم با نوع تربیت آنان شکل می‌گیرد. تربیت، نگرش انسان را نسبت به هستی و مسائل پیرامون متأثر می‌سازد و در صورت اجرا با شیوه‌های نادرست، نه تنها موجب رشد نخواهد شد، بلکه آسیب‌های جدی و اثرات مخرب برجای می‌گذارد.

در این میان، پدر و مادر به‌عنوان نخستین مربیان، مسئولیتی بس سنگین و چندبُعدی دارند. وظیفه ایشان تنها به آموزش‌های گفتاری محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایفای نقش الگویی، اقدام عملی مستمر، و نظارت دقیق بر فرایند تربیت فرزند است.

دین اسلام، به‌عنوان کامل‌ترین نظام الهی، دقیق‌ترین اصول تربیتی را برای زندگی بشر تدوین کرده است. بررسی ادعیه امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه - کتابی غنی و بنیادین در منظومه معارف اسلامی - بیانگر روش‌های عمیق و کاربردی تربیت دینی است. این پژوهش با هدف استخراج شیوه‌های فرزندپروری اسلامی، از طریق تحلیل ادعیه صحیفه سجادیه و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به شناسایی و تبیین هشت اصل مهم تربیتی پرداخته و ساختاری منسجم از آن‌ها ارائه داده است.

در این زمینه، مقالات متعددی نگاشته شده‌اند که هر یک، از زاویه‌ای خاص به تربیت دینی پرداخته‌اند؛ با این حال، اغلب آن‌ها فاقد جامعیت ساختاری بوده و به همه ابعاد تربیت و تمامی ادعیه صحیفه سجادیه توجه کافی نکرده‌اند. برخی مقالات صرفاً دعای بیست‌وپنجم صحیفه را بررسی کرده‌اند و از سایر ادعیه غافل مانده‌اند؛^۱ برخی دیگر نیز میان تعلیم و تربیت خلط کرده، و در ذکر

۱. تربیت فرزند از دیدگاه امام سجاده علیه السلام با تاکید بر دعای ۲۵ صحیفه سجادیه، عباس آزاد، ره توشه بهار و تابستان

۱۳۹۸ - شماره ۱۱۹؛ بررسی نقش والدین و معلم در تربیت دینی کودک از منظر امام سجاده علیه السلام در دعای ۲۵

صحیفه سجادیه، عباداله رفیعی اصل، تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش پاییز ۱۴۰۲ - شماره ۳.

شیوه‌ها، دچار هم‌پوشانی و عدم تفکیک مفهومی شده‌اند.^۱ تعدادی نیز به بررسی مبانی و ابعاد نظام تربیتی اسلام پرداخته‌اند، اما ارتباط مستقیمی با محور پژوهش حاضر ندارند.^۲ با توجه به اهمیت بنیادین تربیت فرزند در ساختار تمدن اسلامی، و خلأ تحقیقات جامع و مبتنی بر منابع اصیل، این پژوهش کوشیده است تصویری دقیق و کاربردی از روش‌های تربیتی منبعث از صحیفه سجاده ارائه دهد و تحلیل محتوایی آن را بر اساس آیات قرآن کریم و دیگر روایات اهل بیت (ع) استوار سازد.

هدف این پژوهش، گردآوری، دسته‌بندی و تبیین شیوه‌های تربیتی از منظر امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده است. اگرچه پژوهش‌هایی محدود در این زمینه انجام شده‌اند، اما این تحقیق با دو ویژگی ممتاز، از دیگر آثار متمایز می‌شود: نخست، ارائه ساختار جامع و منسجم از شیوه‌های تربیتی؛ دوم، ذکر نمونه‌های مستند از صحیفه سجاده در هر بخش تحلیل.

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی بوده و اطلاعات از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و تمرکز آن بر استخراج آموزه‌های تربیتی در ادعیه صحیفه سجاده و بررسی نظام فرزندپروری در نگاه امام سجاد (ع) است.

پژوهش حاضر در دو بخش اصلی تنظیم شده است: ۱. مفهوم‌شناسی تربیت، اهمیت آن در نظام دینی و ضرورت‌های تربیت فرزندان در جامعه اسلامی؛ ۲. شیوه‌های تربیتی مستخرج از صحیفه سجاده، با بررسی کاربردی و تحلیل محتوایی دعا‌های مرتبط.

الف. مفهوم‌شناسی و جایگاه

آشنایی با مفهوم، اهمیت و جایگاه فرزندپروری و تربیت، همچنین شناخت ابعاد و گونه‌های مختلف آن، می‌تواند والدین، معلمان و کارشناسان تربیتی را در دستیابی به راهکارهای صحیح و مؤثر تربیتی یاری کند. از این‌رو، در این بخش، پس از مفهوم‌شناسی واژگان «فرزندپروری»،

۱. شیوه‌های تعلیم و تربیت از منظر امام سجاد (ع) با تکیه بر صحیفه سجاده، امیر نادری، حمیدرضا آرای، حمیدرضا شیرزاد نشلی، بصیرت و تربیت اسلامی پاییز ۱۳۹۲، شماره ۲۶.

۲. در آمدی بر ابعاد و زمینه‌های تربیت در صحیفه سجاده، مشکوة، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۹۱؛ رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده، اندیشه دینی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۵؛ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتی در صحیفه سجاده، معرفت، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۵۷؛ بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده، روانشناسی تربیتی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۷.

«تربیت» و «شیوه»، به بررسی اهمیت، ضرورت و ابعاد مختلف تربیت در اسلام پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی فرزندپروری

فرزندپروری مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌های تربیت کودکان به شیوه‌ای سازنده و غیرمخرب است. به عبارت دیگر، فرزندپروری به راهکارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که والدین در قالب آن‌ها فرزند خود را تربیت می‌کنند.^۱

۲. مفهوم‌شناسی تربیت

واژه تربیت، مصدر باب تفعیل از ریشه «ربب» یا «ربو» به معنای رشد، نمو، افزایش و اصلاح آمده است. ابن‌منظور در لسان العرب، تربیت را برگرفته از «ربو» دانسته و آن را به معنای رشد، زیادت و نگهداری معنا کرده است.^۲ راغب اصفهانی تربیت را «تغییری تدریجی» می‌داند که موجب رساندن پدیده‌ای به کمال می‌گردد.^۳

نویسنده کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، با تحلیل دیدگاه لغویان، نتیجه می‌گیرد که تربیت از ریشه «ربب» یا «ربو» مشتق شده و معنای آن را چنین تعریف می‌کند: سوق دادن موجود تربیت‌شونده به سوی کمال مطلوب و رفع کاستی‌ها و نقایص، ابتدا از طریق «تخلیه» (پاک‌سازی موانع) و سپس «تحلیه» (افزودن ویژگی‌های کمال‌بخش). تربیت در این دیدگاه، رشد تدریجی کمی و کیفی متربی در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی است؛ و انسان، حیوان یا گیاهان، بسته به ماهیت خود، قابل تربیت و پرورش‌اند.^۴

دهخدا نیز تربیت را به معنای پروراندن، پروردن و آموزش تعریف کرده است.^۵ شهید مطهری تربیت را به معنای شکوفاسازی استعدادهای بالقوه درونی می‌داند و آن را فرایند پرورش تلقی می‌کند.^۶

با توجه به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان گفت واژه‌های «فرزندپروری» و «تربیت» هم‌افق‌اند، اما از لحاظ دقت مفهومی، تربیت نتیجه فرایند فرزندپروری است.

۱. ر.ک: ادب الهی، کتاب سوم: تربیت فرزند، ص ۶۶-۶۷؛ رابطه بین زمینه اجتماعی - فرهنگی با شیوه تربیتی والدین، موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان. فصلنامه اندیشه و رفتار، ص ۲۲-۲۳.

۲. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۴.

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۶.

۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۵-۲۴.

۵. لغت‌نامه دهخدا، واژه تربیت.

۶. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۵۵۱.

تربیت شامل ایجاد یا فعلیت‌بخشی به هر نوع کمال مطلوب انسانی است. این کمال می‌تواند:

- جنبه شناختی داشته باشد؛ مانند دانش، بینش و آگاهی
- جنبه رفتاری یا حرکتی داشته باشد؛ مانند کنش‌های جسمانی و عملی
- جنبه گرایشی یا عاطفی داشته باشد؛ مانند ایمان، نگرش، احساسات و علایق

۳. مفهوم‌شناسی شیوه

واژه «شیوه» معادل «روش» است و هر دو به معنای طریقه، اسلوب، سبک، گونه و منوال به کار می‌روند.^۱ منظور از «شیوه‌های تربیتی» آن دسته از راهکارها و رفتارهایی است که مربی برای تحقق اهداف تربیتی به کار می‌گیرد. در واقع، شیوه‌های تربیتی نمود عینی فعالیت تربیت‌اند و بخش عمده‌ای از موفقیت مربی و نظام تربیتی در گرو انتخاب و به کارگیری صحیح آن‌هاست. از همین رو، می‌توان گفت خطرناک‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند تربیت، تشخیص، تعیین و کاربرد مؤثر روش‌های تربیتی است.

والدین که نقش مربی را در تربیت فرزندان ایفا می‌کنند، زمانی قادر به انتخاب صحیح و اثربخش شیوه‌های تربیتی خواهند بود که شناخت دقیقی از ویژگی‌های عمومی و اختصاصی متربیان، و آگاهی کامل نسبت به اهداف و اصول تربیتی داشته باشند؛ اصول و اهدافی که با الهام از قرآن کریم و روایات معصومین (ع) بر اساس نظام تربیت دینی استخراج می‌گردند.

۴. اهمیت فرزندپروری در اسلام

خداوند متعال، هستی را برای کمال‌یابی، رشد اخلاقی و تعالی معنوی انسان آفریده است. از این رو، در آیات و روایات، تربیت و تزکیه انسان یکی از اهداف اساسی ارسال و دعوت پیامبران معرفی شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛^۲ او کسی است که از میان مردم درس‌نخوانده، پیامبری را برانگیخت تا آیاتش را بر آنان بخواند، آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، در حالی که پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۱. لغت‌نامه دهخدا، واژه روش.

۲. جمعه: ۲.

تزکیه که همان تربیت است، چهار بار در قرآن تکرار شده^۱ و این تکرار، بیانگر اهمیت والای آن است. این امر دلالت دارد بر این که آفرینش انسان با هدف آراستگی به صفات نیکو و رهایی از رذائل و ناپاکی ها صورت گرفته است.^۲

واژه «تزکیه» از ریشه «زکو» به معنای رشد، فزونی و پاکی از آلودگی ها و زشتی هاست، و این همان معنای تربیت در آموزه های دینی است.^۳

تربیت از بنیادی ترین نیازهای انسان در طول زندگی است. نه تنها لازمه ای جدایی ناپذیر از زیست انسانی است، بلکه تربیت صحیح، انسان را به موجودی هدفمند و اندیشه ورز تبدیل می کند که با شناخت آرمان های متعالی، قادر به فتح قله های سعادت خواهد بود. انسان مسلمان برای پیمودن مسیر بندگی و رسیدن به کمال، نیازمند الگوهای عملی و قابل اعتماد در عرصه رفتار است؛ و این الگوها جز معصومان علیهم السلام نیستند که به گوهر عصمت آراسته، از خطا و لغزش مصون اند. آنان، برترین و مطمئن ترین الگوهای تربیتی به شمار می آیند و ارائه دیدگاه هایشان، ضرورتی انکارناپذیر در مسیر تعلیم و تربیت محسوب می شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیه به تربیت فرزندان و اهتمام به آن، چنین می فرماید:

بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ وَأُورِدْتُ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يَعْجَلَ بِي أَجَلِي دُونَ أَنْ أَقْضِيَ إِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي أَوْ أَنْ أَنْقُصَ فِي رَأْيِي كَمَا نُقِصْتُ فِي جِسْمِي؛^۴ پسر من! هنگامی که دیدم سال هایی از عمرم گذشته و توانایی ام رو به کاهش نهاده است، در نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و صفات اخلاقی را برایت برشمردم، پیش از آن که مرگم فرا برسد و نتوانم رازهای درونم را با تو در میان بگذارم، یا در اندیشه ام کاستی پدید آید؛ چنان که در جسمم پدید آمد.

ایشان همچنین تأکید می ورزد که تربیت فرزند باید پیش از گرفتار شدن او در خطا، ویرانی و هلاکت آغاز شود. حضرت می فرماید:

بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ وَأُورِدْتُ خِصَالًا مِنْهَا... قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَى وَفِتَنِ الدُّنْيَا فَتَكُونَ كَالصَّعْبِ النَّفُورِ، وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ

۱. بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۷؛ مصباح المنیر، ص ۲۵۴؛ النهاية فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۸۳؛ مصباح المنیر، ص ۲۱۷.

۴. نهج البلاغه، نامه ۳۱.



الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ، قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ»؛^۱ پسر من! من در نگارش وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را بر شمردم... پیش از آن که خواهش‌های نفس و فتنه‌های دنیا بر تو غلبه کنند و پذیرش تربیت دشوار شود، زیرا دل نوجوان همچون زمین بکر و خالی است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. پس در تربیت تو پیش‌دستی کردم، پیش از آن که دلت سخت شود و اندیشه‌ات به امور دیگر سرگرم گردد.

نقش پدر و مادر در پرورش جسمی و روانی فرزندان و انتخاب شیوه‌های تربیتی مطلوب، به‌قدری حیاتی و تأثیرگذار است که امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه برای انجام این مسئولیت بزرگ از خداوند متعال استعانت می‌جوید و عرضه می‌دارد: «أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ»؛^۲ بار خدایا، مرا در تربیت و تأدیب آنان، و در نیکی و مهربانی به ایشان یاری فرما.

امام سجاد (ع) همچنین در بیانی روشن، مسئولیت سنگین والدین را در تربیت فرزند چنین یادآور می‌شود:

أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزِينَ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛^۳ حق فرزند آن است که بدانی او پاره‌ای از وجود توست؛ با تمام خیر و شرش در دنیا به تو منتسب است. تو در حسن ادب، راهنمایی به سوی خداوند، و کمک به اطاعت او در قبال خود و خویشتن خویش مسئولی؛ و بر این مسئولیت، یا پاداش خواهی گرفت یا عقاب. پس در تربیت او چنان تلاش کن که آثار تربیتی‌ات در دنیا موجب افتخارت باشد، و در آخرت نزد پروردگارت معذور باشی. «وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

نصیحت‌های مشفقانه لقمان حکیم به فرزندش در قرآن کریم نیز گویاترین گواه بر اهمیت نقش

۱. همان.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

۳. تحف العقول، ص ۲۶۳.

والدین در تربیت فرزند و تأثیر شیوه‌های تربیتی آنان بر رفتارهای درست و نادرست فرزندان است.^۱ این مسؤولیت تربیتی آن‌چنان مهم و حساس است که در صورت سهل‌انگاری و کوتاهی، والدین نیز مشمول حکم «عاقّ فرزند» خواهند بود؛ همان‌گونه که فرزندان به دلیل ناسپاسی، عاقّ والدین می‌گردند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید:

يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لِوَلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا؛^۲ چنان‌که فرزند، در نافرمانی و بی‌احترامی، عاقّ پدر و مادر می‌گردد، پدر و مادر نیز در کوتاهی نسبت به مسؤولیت خود، عاقّ فرزندان خویش خواهند شد.

بنابراین، لازم است پدر و مادر از نخستین مراحل زندگی فرزند و در فضای خانه که پایدارترین بستر رشد و تربیت است، فرایند تربیت را آغاز کرده، هنر تربیت نیکو را بیاموزند تا ضمن ادای حقوق فرزند، بتوانند مسیر رشد حقیقی را برای او هموار سازند.

ب. وجوب تربیت

تربیت فرزندان، بر اساس آیات و روایات فراوان، از واجبات الهی و مسؤولیت‌های سنگین والدین به‌شمار می‌رود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نجات دهید.

این آیه شریفه، مؤمنان را به حفظ خانواده از آتش جهنم و هر عامل دورکننده از رضایت خداوند فرمان می‌دهد؛ و تحقق این فرمان، جز با تربیت صحیح فرزندان، فراهم نمی‌شود. تربیتی که آنان را برای انجام واجبات و پرهیز از محرمات آماده سازد.^۴

احادیث بسیاری از اهل بیت علیهم‌السلام نیز گویای اهمیت والای تربیت فرزند هستند. از جمله روایت رسول گرامی اسلام ﷺ که در پاسخ به پرسش پدری درباره حق فرزند می‌فرماید: «تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ ضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا»؛^۵ نامی نیکو برایش انتخاب کن، با ادب و تربیت شایسته او را پرورش بده،

۱. لقمان: ۱۳ - ۱۹.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۵.

۳. تحریم: ۶.

۴. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۰؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۷۷.

۵. الکافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۱.

و در جایگاهی مناسب قرارش بده.

در این روایت، پیامبر اکرم ﷺ ادب نیکو و تربیت پسندیده را از مهم‌ترین وظایف والدین نسبت به فرزندان معرفی می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بیان ارزش تربیت چنین می‌فرماید:

مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نَحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛^۱ هیچ هدیه‌ای از جانب والدین به فرزند، برتر از ادب نیکو و تربیت پسندیده نیست.

ج. ابعاد مختلف تربیت

تربیت دارای ابعاد گوناگون و متعددی است که شناخت جامع آن‌ها، علاوه بر جلوگیری از افراط و تفریط در برخی زمینه‌ها، مانع از غفلت نسبت به گونه‌های مؤثر و حیاتی تربیتی می‌گردد. بنابراین، ضروری است والدین و مربیان به تمامی این ابعاد توجه کرده و برای هر یک برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند. این ابعاد عبارت‌اند از:

تربیت جسمی: اسلام به پرورش جسم انسان، به‌ویژه در دوران کودکی، اهمیت فراوانی می‌دهد. تربیت جسمی به معنای پرورش کودک به گونه‌ای است که توان انجام امور روزمره را داشته و در برابر بیماری‌ها مقاوم باشد. اسلام انسان را به بهره‌برداری از غذاهای مفید و نعمت‌های الهی سفارش کرده و به ورزش‌هایی همچون تیراندازی، شنا و اسب‌سواری تشویق می‌کند. این دین، سلامت جسم و جان را در سایه برنامه‌ای متعادل و به‌دور از افراط و تفریط می‌داند. از این‌رو والدین باید فرزندان خود را چنان تربیت کنند که نیروی جسمی‌شان در مسیر صحیح به‌کار گرفته شود و بتوانند وظایف فردی و اجتماعی خود را به‌نحو مطلوب انجام دهند.

تربیت عقلی: اسلام، دین عقل و اندیشه است و برای رشد عقلانی انسان جایگاه ویژه‌ای قائل است. به‌همین جهت، والدین موظف‌اند که عقل و خرد فرزندان را پرورش دهند و آن را در مسیر هدایت قرار دهند. عقل، ارزشمندترین نیروی انسان در اسلام است و باید در راه خیر و صلاح به‌کار گرفته شود. پرورش عقلانی کودک، نیازمند تربیت آگاهانه، تشویق به تفکر، و هدایت اندیشه‌ها در مسیر صحیح است.

تربیت روحی: روح، محور اصلی تعالی انسان است و اسلام به پرورش آن توجه خاصی دارد. بهترین روش پرورش روح، نزدیکی انسان به خدای متعال و اتصال به منبع پاکی و حقیقت است. والدین وظیفه دارند فرزندان خود را به‌سوی زلال معنویت راهنمایی کرده و زمینه رشد روحی آن‌ها را

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴، ح ۱۷۸۷۲.

فراهم سازند؛ تا روح کودک از پلیدی‌ها پالوده و به فضائل اخلاقی آراسته گردد.

تربیت عاطفی: عاطفه و احساس، تحت تربیت صحیح می‌تواند شکوفا شده یا تضعیف گردد. در سطح عالی، محبت و عشق می‌تواند محرکی قدرتمند برای تلاش و پویایی باشد. دوست داشتن، انگیزه‌ای قوی برای جلب رضایت محبوب ایجاد می‌کند. تربیت باید به گونه‌ای باشد که کودک بتواند از احساسات خود به درستی بهره بگیرد. توجه به جنبه‌های عاطفی از مؤثرترین روش‌ها در فهم و اصلاح رفتار کودک به‌شمار می‌رود.

تربیت معنوی و ایمانی: سلامت عقیده، روح رسالت اسلام را تشکیل می‌دهد. پیامبران الهی و کتب آسمانی نخست به اصلاح اعتقادات پرداخته‌اند، سپس به اصلاح رفتار. درک صحیح مفاهیم ایمانی، موجب تقویت شخصیت، استحکام اراده، و توانمندی فرد در برابر چالش‌های زندگی می‌شود. والدین باید تربیت ایمانی فرزندان را در صدر اولویت‌های خود قرار دهند؛ زیرا این نوع تربیت، موجب رشد عاطفی، پالایش روح، و اعتدال رفتاری کودک شده و او را در برابر اضطراب‌ها و بیماری‌های روانی مصون می‌سازد.

تربیت معنوی زمینه‌ساز ترس از گناه، اندیشه در عظمت پروردگار، تعهد به فرامین الهی، و حرکت در مسیر الهی است. نتیجه چنین تربیتی، تربیت نسلی است که تجلّی آیه شریفه باشد:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ^۱ همانا مؤمنان واقعی کسانی هستند که هرگاه نام خداوند برده می‌شود، دل‌هایشان نرم می‌گردد، و آن‌گاه که آیات الهی بر آنان خوانده شود، ایمانشان افزون می‌گردد و بر پروردگار خویش توکل می‌نمایند.

تربیت عبادی: عبادت، ثمره اعتقاد است؛ اما نیازمند آموزش و تمرین می‌باشد. هرچند فرزندان در دوران کودکی تکلیفی ندارند، آمادگی آنان برای ورود به مرحله بلوغ و پذیرش مسؤولیت‌های شرعی امری ضروری است. تربیت عبادی فرزندان، از طریق شیوه‌های صحیح و تدریجی، آنان را برای انجام عبادات واجب و مستحب در آینده آماده می‌سازد. البته هر مرحله از تربیت عبادی باید در زمان مناسب و با روش خاص خود اجرا گردد.

تربیت اخلاقی: اخلاق نیکو و رعایت آداب پسندیده، برخاسته از تربیت صحیح اخلاقی است. ارزش کودک در گرو ادب اوست و این ادب، تنها در سایه تربیت مناسب نمایان می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

هیچ هدیه‌ای از جانب پدر و مادر برای فرزندان، بهتر از تربیت نیکو و ادب شایسته نیست.

ویژگی‌هایی مانند خوش خلقی، صداقت، حسن برخورد و احترام به دیگران، موجب خیر و برکت در زندگی دنیوی و دستیابی به سعادت اخروی کودک خواهد شد.^۱

تربیت اجتماعی: انسان باید به گونه‌ای تربیت شود که بتواند روابطی صحیح، منظم و مبتنی بر احترام با اعضای جامعه برقرار کند. رعایت حدود، احترام به حقوق دیگران، تعامل شایسته با همسالان و دیگر مصادیق اجتماعی، نیازمند آموزش هدفمند و تربیت صحیح است تا فرزند، مسیر ارتباط اجتماعی را به درستی طی کند.

تربیت جنسی: پدر و مادر باید با تدبیر، آگاهی و متناسب با مراحل رشد کودک، به تربیت جنسی وی توجه نمایند. آموزش‌هایی همچون رعایت آداب اجازه گرفتن برای ورود به مکان‌های خصوصی، شناخت محرم و نامحرم، نحوه پوشش مناسب و پرهیز از مشاهده صحنه‌های تحریک‌آمیز، از جمله موارد مهم در تربیت جنسی به‌شمار می‌روند. این نوع تربیت، باید تدریجی، دقیق و متناسب با فهم و نیاز کودک صورت گیرد.^۲

د. شیوه‌های فرزندپروری در صحیفه سجاده

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های فرزندپروری در راستای تربیت اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تربیت زمانی ثمراتی مطلوب و اثرگذار خواهد داشت که اصول آن در قالب شیوه‌های صحیح و سنجیده اجرا گردد؛ اما در صورت استفاده از روش‌های ناسازگار یا نادرست، نه تنها نتیجه‌ای اصلاحی به دنبال نخواهد داشت، بلکه پیامدهایی آسیب‌زا و مخرب به جای خواهد گذاشت.

از این رو، ضروری است مربیان و والدین با مراجعه به قرآن کریم و فرمایشات معصومان (ع) که از هرگونه خطا و لغزش مصون هستند، شیوه‌های تربیتی صحیح را شناسایی کرده و در مسیر تربیت فرزندان به کار بندند.

در نوشتار حاضر، با تمرکز بر ادعیه امام زین‌العابدین (ع) در صحیفه سجاده، مجموعه‌ای از روش‌های تربیتی استخراج گردیده است که با به کارگیری آن‌ها می‌توان تربیتی صحیح، نظام‌مند و چندبُعدی را پایه‌گذاری کرد. این شیوه‌ها قابلیت اجرا در ابعاد مختلف تربیتی را دارند و در ادامه،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۵، ح ۱۷۸۷۲.

۲. ر. ک: دوران طلایی تربیت، ص ۴۲ - ۴۷.

همراه با متون مرتبط برگرفته از صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام، ارائه و تحلیل می شوند.

۱. روش پیشگیری و کنترل

رفتار و کردار انسان، تحت تأثیر شرایط محیطی همچون زمان و مکان و عوامل اجتماعی نظیر دوستان و نزدیکان، همواره در معرض دگرگونی و تحول قرار دارد. از این رو، در فرآیند تربیت، تنها تمرکز بر رفتار بیرونی کافی نیست؛ بلکه باید به ساختار درونی و نهاد انسان نیز توجه شود تا او از آسیب‌های متنوع اجتماعی مصون بماند.

کودکی که در دامن خانواده‌ای مهرورز رشد کرده است، خانواده‌ای که خود به اصول دینی متخلق بوده و به فنون تربیت اسلامی آگاهی داشته‌اند، در دوره‌های بعدی زندگی، هنگامی که غالباً به دور از دید مستقیم والدین و معلمان اقدام به انتخاب دوست و همنشین می‌کند، کمتر در معرض آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی قرار می‌گیرد و نقش نظارتی خانواده را نیز با پذیرش درونی همراه می‌سازد.

اسلام در عرصه تربیت، پیشگیری از انحراف و گمراهی را بر درمان آن مقدم دانسته و از آن به‌عنوان راهبردی بنیادین یاد می‌کند. امام سجاد علیه السلام نیز این اصل پیشگیرانه را لازمه مسیر تربیت و رشد انسان‌ها دانسته و در دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیه که درباره والدین است، با واژه «حراست» این رویکرد را تبیین فرموده‌اند. ایشان در بیان فداکاری‌های والدین چنین می‌فرمایند:

أَيْنَ إِذَا يَا إِلَهِي طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَّتِي؟ وَأَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟ وَ أَيْنَ
إِفْتَارُهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ؛ اَي خدایان، اگر چنین کنم، پس آن همه
سال‌ها که در پرورش من صرف کردند، آن همه رنج که در نگهداری‌ام بر خود
هموار ساختند و آن همه سختی که برای آسایش من به جان خریدند، چه خواهد
شد؟^۱

همچنین ایشان در دعای شانزدهم با تأکید بر ضرورت مصونیت از گناهان، خطاب به خداوند

چنین عرضه می‌دارند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ قِنِي مِنَ الْمَعَاصِي وَ اسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ وَ ارْزُقْنِي
حُسْنَ الْإِنَابَةِ وَ طَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ وَ اَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ؛^۲ بار خدایا، بر محمد و آل او
درود فرست؛ مرا از گناهان محافظت فرما، در مسیر فرمان‌بری به‌کارگیر، نیکویی
بازگشت از گناه را روزی‌ام کن، با توبه پاکم گردان و با عصمت خود یاریم فرما.

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۴.

۲. همان، دعای ۱۶.

در ادعیه امام سجاد (ع)، مسئله کنترل نفس و پیشگیری از انحرافات اخلاقی و رفتاری، جایگاهی بنیادین در مسیر تربیت انسان دارد. آن حضرت در دعای شانزدهم، از خداوند مسئلت می‌نماید که او را نگاهداری کند؛ چراکه انسان در برابر وسوسه‌های نفسانی و جاذبه گناهان، نیازمند حصن و نگهبان درونی است که از سقوط در ورطه معصیت جلوگیری کند. این بیان دقیق نشان می‌دهد که انسان باید در مقام صیانت و پیشگیری قرار گیرد، نه آنکه پس از ارتکاب گناه، در اندیشه توبه و بازگشت باشد.

در دعای دیگر، امام زین العابدین (ع) به وضوح به ماهیت دوگانه نفس انسان اشاره می‌فرماید:

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلُصُهَا وَ أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا؛^۱ بار خدایا، برای خود از نفس من بهره‌ای که آن را نجات می‌دهد قرار ده، و آنچه به صلاح و اصلاحش می‌انجامد، برای من باقی گذار؛ زیرا نفس من هلاک‌شونده است، مگر آنکه تو آن را نگهداری.

در دعای بیست و دوم نیز، این رویکرد تربیتی با صراحت بیشتری تبیین شده و مجموعه‌ای از درخواست‌های پیشگیرانه بیان گردیده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ وَ اخْضُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَ وَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ وَ لَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي وَ اجْعَلْ هَوَايَ عِنْدَكَ وَ رِضَايَ فِيمَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْكَ وَ بَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي وَ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ اجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالٍ مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا مَسْتَوْرًا مَمْنُوعًا مُعَاذًا مُجَارًا؛ بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا از رشک بردن رهائی ده و از گناهان دورم کن و از حرام‌ها پرهیزکارم فرما و بر نافرمانی‌ها دلیرم مگردان و میل و خواهش مرا به نزد خود گردان و رضا و خشنودیم را در آنچه از جانب توبه من می‌رسد قرار ده و برای من در آنچه روزیم کرده‌ای و آنچه عطا فرموده‌ای و آنچه احسان نموده‌ای بیفزای و مرا در هر حال محفوظ و نگاهداشته و پنهان شده و بازداشته و پناه داده و زینهار شده قرار ده.^۲

با تأسی از این دعاها، می‌توان دریافت که در تربیت فرزند نیز، اصل پیشگیری و مصون‌سازی اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و رفتاری، باید در مرحله مقدم قرار گیرد. مربی نباید تنها منتظر اصلاح

۱. همان، دعای ۱۹.

۲. همان، دعای ۲۲.

پس از خطا باشد، بلکه موظف است فرزندان را به گونه ای پرورش دهد که به صورت درونی از آسیب ها و آلودگی ها پرهیز نمایند.

این اصل که «پیشگیری بهتر از درمان است»، در تربیت اسلامی نه تنها یک توصیه عقلانی، بلکه یک راهبرد الهی در ساختار نفس انسان شمرده می شود. واکسیناسیون تربیتی در ابعاد مختلف فکری و رفتاری، زمینه رشد سالم و متعادل را فراهم می سازد و آنان را از فتنه ها و رذایل مصون می دارد.

۲. روش مهر و محبت

یکی از اساسی ترین عواطف انسانی که در تربیت دینی نقشی تعیین کننده دارد، محبت است. روش محبت، از کارآمدترین شیوه های تربیتی اسلام به شمار می آید و بیشترین هماهنگی را با فطرت و سرشت انسانی دارد. این نیرو، محرکی تحول آفرین و انگیزشی در تربیت دینی است و چنانچه با اعتدال و به درستی به کار گرفته شود، می تواند نقشی شگرف در شکل گیری شخصیت انسان ایفا کند. محبت از منظر تربیتی، نیرویی عظیم و تأثیرگذار است و برترین تربیت آن است که با بهره گیری از این روش محقق شود. خداوند متعال، پیامبر گرامی اش را به زیور محبت آراست و آن حضرت نیز با تکیه بر همین روش توانست در تربیت دینی مردم موفق عمل کند. چنان که در قرآن کریم می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛^۱

پس به مهر و رحمتی که از سوی خداست با آنان نرم خو شدی، و اگر درشت خو و سخت دل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند.

در مکتب تربیتی اسلام، عنصر محبت جایگاه ویژه ای دارد و اولیای الهی آن را محور تربیت قرار داده اند. امام سجاده علیه السلام در بیان رحمت و محبت الهی چنین عرضه می دارند:

أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعَمِكَ سَهْمًا وَأَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ؛^۲ تویی که رحمت و علمت همه چیز را فرا گرفته، تویی که از نعمت هایت هر آفریده را بهره مند ساخته ای، تویی که عفو تو بر عقابت پیشی دارد، و همه مخلوقات را در رحمت و اسعادت جای داده ای.

در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده که به طور خاص به فرزندان اختصاص دارد، آن حضرت

۱. آل عمران: ۱۵۹.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۱۶.

با لحنی سرشار از محبت، برای فرزندان‌شان دعا می‌نمایند؛ دعایی آکنده از مهر و عطوفتی بی‌بدیل، که می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای والدین و مربیان در فرآیند تربیت باشد:

إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ وَ رَبِّ لِي صَغِيرُهُمْ وَ قَوِّ لِي
ضَعِيفَهُمْ وَ أَصَحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ أَذْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ وَ عَافِيَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي
جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ أَدْرِرْ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ وَ
اجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً أَتَقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَ لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ وَ
لِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ، آمِينَ؛^۱ ای خداوند، عمرشان را طولانی
گردان، خردسالشان را پرورش ده، ضعیفشان را نیرومند کن، تن و دین و
اخلاقشان را به سلامت دار، از هر آفتی در جان و جسمشان محافظت کن،
روزی‌شان را وسیع گردان و آنان را نیکوکار، پارسا، بینا، شنوا و مطیع تو و
دوستانت قرار ده، و نسبت به دشمنانت معاند و بیزار ساز. آمین.

۵۳



چه زیبا سخن گفته‌اند و چه ژرف‌تر آموزش داده‌اند که از خداوند برای فرزندانمان چه بخواهیم.
دعای بیست‌وپنجم صحیفه سجاده سرشار از نکات بنیادین در زمینه تربیت فرزند است؛ مضامینی
که هر والد و مربی باید با دقت تمام و نگاهی ژرف به ظرایف آن، مطالعه کند تا بتواند در مسیر زندگی
و پرورش فرزندان بهره‌ای کامل و الهام‌پذیر از آن داشته باشد.

امام سجاد (ع) در دعای بیست‌وچهارم، که به والدین اختصاص دارد، با عاطفه‌ای بی‌نظیر و
لحنی سرشار از محبت برای پدر و مادر خویش دعا می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اخْصُصْ أَبِيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ
عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ لَا تُسْنِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ
صَلَوَاتِي وَ فِي إِنْشَاءِ لَيْلِي وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا وَ
ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْمًا وَ بَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ. اللَّهُمَّ
وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا
حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ، وَ الْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛^۲ بار خدایا، بر محمد و آل او و

۱. همان، دعای ۲۵.

۲. همان، دعای ۲۴.

ذریّه او درود بفرست و پدر و مادر مرا به برترین موهبت‌هایی که خاص پدران و مادران بندگان مومن خود گردانیده‌ای، مخصوص گردان. ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا، پس از هر نماز من و در هر وقت دیگر از اوقات شب و در هر ساعت از ساعات روز، پدر و مادرم را از یاد من مبر. بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا به سبب دعایی که در حق ایشان می‌کنم پیامرز و آن دورا به سبب نیکی و مهربانی که در حق من کرده‌اند به مغفرت خویش بنواز و به شفاعت من از ایشان خشنود شو و نیک خشنود شو و آنان را گرمی دار و به جای‌های امن و آسایش بهشت رسان. خداوندا، آن دو را شفیع من گردان اگر پیش از من آمرزیده‌ای و مرا شفیع ایشان گردان اگر پیش از ایشان آمرزیده‌ای، تا من و پدرم و مادرم در سایه لطف و رأفت تو در سرای کرامت و جایگاه مغفرت و رحمت تو، همنشین هم گردیم، که تو را بخشایش بزرگ است و نعمت دیرینه. شیوه محبت که در این ادعیه مورد تأکید قرار گرفته، منحصر به رابطه والدین و فرزند است؛ بلکه امام علیه السلام با زبان دعا و سیره عملی خود، اهمیت و ضرورت بهره‌گیری از محبت در تمامی ابعاد زندگی، به‌ویژه در تربیت، را به ما آموخته‌اند. محبت نه تنها شیوه‌ای مؤثر در تربیت دینی، بلکه پلی است میان قلب‌ها و ابزاری برای عمق‌بخشی به روابط انسانی در چارچوب ایمان و پرورش اخلاق. بهره‌گیری از این روش در تربیت، به معنای هم‌افزایی عقل و عاطفه در ساختار انسانی فرزندان است. امام سجاده علیه السلام حتی در مواجهه با کسانی که نسبت به ایشان بدی کرده‌اند، با مهر و عطوفت برخورد می‌کنند و در ادعیه خود از خداوند درخواست‌هایی دارند که سرشار از رأفت و بزرگواری است، بدون آن‌که نشانی از انتقام، کینه‌ورزی یا واکنش تند در آن دیده شود.

در دعای بیستم صحیفه سجادیه، ایشان چنین عرضه می‌دارند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ سَدِّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ عَشَّيْتُ بِالنُّصْحِ وَ أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ وَ أَخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَ أُغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ^۱ بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و رستگاری بخش مرا تا کسی را که با من ناراستی کند به اخلاص پاسخ دهم و کسی را که از من دوری گزیند به نیکویی

۱. همان، دعای ۲۰.

جزا دهم و کسی را که مرا محروم می‌دارد به بذل و احسان بنوازم و با آن کس که رشته مودت بریده است پیوندم و کسی را که از من به بدی یاد کرده به نیکی یاد کنم و خوبی را سپاس گویم و از بدی چشم فرو بندم.

در دعای دیگری، حضرت چنین از خداوند درخواست می‌کنند:

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فَلَانٍ بِنِ فَلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ وَ انْتَهَكَهُ مِنِّي مِمَّا حَبَزْتَ عَلَيْهِ، بَطَرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ وَ اغْتِرَارًا بِنِكَرِكَ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خُذْ ظَالِمِي وَ عُدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ وَ أَفْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ وَ عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ؛^۱ تو می‌دانی ای خداوند من که فلان فرزند فلان در حق من مرتکب چه کارهایی شده که تو خود از آن منع فرموده‌ای و او را در بی حرمتی به من چه اعمالی است که تو خود از آن نهی کرده‌ای. و این همه از سر مستی اوست به سبب نعمتی که تواس عنایت کرده‌ای و از بی‌باکی اوست در برابر کیفری که تواس مقرر داشته‌ای. بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به نیروی خود آن را که بر من ستم می‌کند یا دشمنی می‌ورزد فرو گیر و به قدرت خود از تیزی سطوتش بکاه و به درماندگی‌های خود مشغولش نمای و در پیکار با آن که به خلافتش برخاسته است عاجزش گردان.

با تأمل در این نیایش‌ها، روشن می‌شود که امام (ع) با تأکید بر رویکرد محبت‌آمیز - هرچند در برابر بدخواهان- در حقیقت الگویی تربیتی برای پیروان خویش ترسیم کرده‌اند. این رویکرد نشان می‌دهد که محبت نه تنها ابزاری اخلاقی، بلکه سازوکاری مؤثر و کاربردی برای اصلاح، تهذیب و تربیت دینی انسان‌ها به‌شمار می‌آید.

اگر والدین و مربیان خواهان اثرگذاری در تربیت فرزندان یا متریبان خود هستند، باید محبت را به‌عنوان زبان تربیتی خود برگزینند؛ چراکه مهربانی، راهی برای اتصال به درون انسان و جلب اعتماد قلبی اوست. زمانی که این ارتباط برقرار شود، مسیر ادامهٔ تربیت و تهذیب با سهولت و ثبات بیشتری طی خواهد شد.

۳. روش ارائه الگو

یکی از ویژگی‌های بنیادین انسان، فضیلت‌خواهی و میل به کمال است. به همین دلیل، هرگاه انسان فضیلتی یا کمالی را در شخصیت‌هایی چون رهبران دینی، اجتماعی، سیاسی، هنری یا ورزشی

۱. همان، دعای ۱۴.

مشاهده کند، به طور طبیعی در مسیر الگوبرداری از آنان در زندگی فردی و اجتماعی خویش گام برمی دارد.

از این رو، یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در تعلیم و تربیت، روش ارائه الگو است. اما آنچه بیش از روش اهمیت دارد، نقش هدایت‌گرانه مربیان، معلمان، و والدین در جهت‌دهی صحیح به فراگیران است. آنان باید متریبان را در شناخت فضیلت‌ها، تشخیص مصادیق کمال و دوری از الگوهای ناصالح یاری دهند؛ تا نوجوانان و جوانان، گرفتار بت‌های مدرن، مدهای زودگذر و الگوهای نامناسب نشوند، بلکه به سمت الگوهای شایسته و الهام‌بخش سوق یابند.

خداوند متعال، که مربی بالاطلاق است، در قرآن کریم نیز به روشنی از الگوبرداری بهره برده است. در آیات مختلف، هم الگوهای پسندیده‌ای مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله^۱، حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران او،^۲ همسر فرعون^۳ و حضرت مریم علیها السلام^۴ را معرفی می‌کند، و هم برای هشدار تربیتی، الگوهای ناپسندی چون همسر حضرت نوح و همسر حضرت لوط علیهما السلام را یادآور می‌شود.

از منظر امام سجاده علیه السلام نیز، تأسی به اسوه‌های حسنه جایگاه مهمی در رشد، تعالی و تهذیب انسان دارد. ایشان در مواضع متعدد صحیفه سجادیه به این اصل اشاره فرموده‌اند و آن را با زبانی معنوی و تربیتی تبیین کرده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین مصادیق روش الگوبرداری در این صحیفه، صلوات‌ها و درودهایی است که امام علیه السلام به شکل مکرر و عمیق برای پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام بیان می‌فرمایند. این درودها صرفاً جنبه دعایی ندارند، بلکه حامل پیام تربیتی مهمی‌اند: معرفی پیامبر و اهل بیت به عنوان الگوهای کامل و جامع در مسیر کمال انسانی. تکرار پر بسامد این صلوات‌ها در متن دعاها، بیانگر اهمیت

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱).

۲. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ هُمُ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا تُشْفِقَنَّ لَكَ وَ مَا أُمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ عَلَيْكَ أَتَيْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (ممتحنه: ۴).

۳. «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱).

۴. «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَتَمَخَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ لَهَا كِتَابٌ مِنَ الْقَانِتِينَ» (تحریم: ۱۲).

۵. «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم: ۱۰).

والای مسئله تأسی و اقتدا به آنان در تمامی جنبه‌های تربیتی و ایمانی انسان است.

امام سجاده علیه السلام در دعای چهل و دوم صحیفه سجادیه چنین عرضه می‌دارند:

أَحْيِنَا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ بِنَا مِنْهَا جَهً وَاسْأَلْكَ بِنَا سَبِيلَهُ وَاجْعَلْنَا
مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ^۱ ما را بر سنت و آیین او زنده بدار، و بر همان
آیین نیز بمیران؛ ما را در مسیر او راه‌سپار کن، از اهل طاعت او قرار ده و در زمره
پیروانش محشور فرما.

در دعای بیست و یکم نیز، ایشان با زبانی مملو از ارادت، از خداوند مسئلت می‌کنند که قرین و

همدم پیامبر و اهل بیت علیهم السلام باشند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا^۲ بار
خدایا، مرا قرین و هم‌نشین آنان قرار ده و در مسیر خدمت و یاری‌شان، موفق
دار.

این تقاضاها نشان‌دهنده آن است که امام، پیامبر و اهل بیت را اسوه کمال می‌دانند؛ زیرا انسان
همواره متمایل است با کسانی همنشین باشد که آن‌ها را سرمشق زندگی‌اش قرار داده و آرزو دارد
همانند آنان شود.

در دعای دوم صحیفه سجادیه نیز امام سجاده علیه السلام، با تعبیراتی ژرف به مقام رهبری و الگو بودن
پیامبر اشاره می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَنَجِيَّكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَفِيَّكَ مِنْ
عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ وَقَائِدَ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحَ الْبَرَكَةِ^۳ بار خدایا، بر محمد که امین
وحی توست، برگزیده از میان آفریدگان توست، دوست مخلص از میان همه
بندگان توست، آن امام رحمت و پیشوای خیر و کلید برکات، درود بفرست.

از این تعبیرات چنین برمی‌آید که حضرت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را پیشوایی معرفی می‌فرمایند که
شایسته اقتدا و الگوگیری در تمامی ابعاد زندگی انسان است. چراکه رفتارهای انسان غالباً از
الگو برداری‌های آگاهانه یا ناخودآگاه ریشه می‌گیرد.

در دعای بیست و پنجم، ایشان در رابطه با فرزندان چنین عرضه می‌دارند:

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۲.

۲. همان، دعای ۲۱.

۳. همان، دعای ۲.

وَاجْعَلْهُمْ أَتْرَارًا اتَّقِيَاءَ بَصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَلَاؤْلِيائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ
 وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ، آمِينَ؛^۱ ای خداوند، فرزندان مرا همه
 نیکان و پرهیزگاران و بینایان قرار ده و چنان کن که فرمان‌های تو را بشنوند و
 اطاعت کنند، یاران تو را محبان و نیک‌خواهان و با دشمنان تو دشمنان و
 کینه‌توزان باشند. آمین.

این دعای پر محتوای با زبان تربیتی خاص خود، نشان می‌دهد که فرزندان باید با الگوبرداری از
 اولیای الهی پرورش یابند؛ و این وظیفه والدین و مربیان است که پیش از گرفتار شدن نسل جدید در
 دام الگوهای نامناسب و رسانه‌ساخته، آنان را با الگوهای الهی آشنا سازند.
 اسلام، به‌عنوان کامل‌ترین دین، از نقش بنیادین الگو در فرایند تربیت آگاه است؛ و لذا کسانی را
 که در جایگاه اجتماعی-فرهنگی برجسته‌ای قرار دارند، به اصلاح رفتار و تعهد نسبت به مسئولیت
 الگویی‌شان فرا می‌خواند. آنان باید به اخلاق معصومان (علیهم‌السلام) متخلق باشند و با پرهیز از تضاد در
 گفتار و کردار، مسیر تربیت دینی را برای دیگران روشن سازند.

از این‌رو، ضروری است والدین در کانون خانواده، با معرفی الگوهای راستین و راهبران اخلاق،
 بستری مناسب برای تربیت صحیح فراهم آورند. بیانات دعاگونه امام سجاد (علیه‌السلام) درباره اسوه‌ها، نوری
 است برای راهیابی به تربیت اسلامی و ضرورتی آشکار برای الگوپردازی در زندگی تربیتی فرزندان.

۴. روش ابراز توانایی و استعدادیابی

یکی از ویژگی‌های بنیادین انسان، فضیلت‌طلبی و میل به کمال است. از این‌رو، هرگاه فضیلت یا
 کمالی را در شخصیت‌هایی دینی، اجتماعی، سیاسی، هنری یا ورزشی مشاهده کند، میل به
 الگوبرداری از آنان در رفتار فردی و اجتماعی خود پیدا می‌کند.

در همین راستا، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی، روش «کشف استعدادها» است. در این
 شیوه، تمام تلاش والدین و مربی باید معطوف به شناسایی توانمندی‌های فرزند یا مترقی و معرفی آن
 به خود وی باشد، تا او به احساس عزت نفس و سربلندی درونی دست یابد و برای حفظ و ارتقای
 شخصیت خود اقدام کند.

تقویت حس خودباوری و توانایی کسب فضائل، موجب می‌شود انسان در همه امور فردی و
 اجتماعی، سعی در حفظ ارزش‌های درونی خود داشته و با رویکردی کارآمد، در جهت شکوفایی و
 عزت خویش و دیگران تلاش نماید.

۱. همان، دعای ۲۵.



نخستین شرط دستیابی به عزّت درونی، آن است که فرد خود را توانمند و مؤثر ببیند. این امر حاصل تلاش مربّی است که زمینه شکوفایی فرد را فراهم می‌آورد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در سخنی حکیمانه، بی‌توجهی به ارزش وجودی انسان را نشانه‌ای از جهل دانسته و چنین فرموده‌اند:

الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ؛^۱ دانا کسی است که قدر خود را بشناسد، و نادانی انسان همین بس که ارزش خویش را نداند.

ایشان در حدیثی دیگر، ناآگاهی از جایگاه و استعداد فردی را عامل هلاکت انسان دانسته و می‌فرمایند:

هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛^۲ نابود شد کسی که ارزش خود را نشناخت.

این احادیث و دیگر سخنان هم‌مضمون، تأکید دارند که انسان باید منزلت، توانمندی و کرامت وجودی خود را بشناسد و آن را حفظ و ارتقا دهد. والدین و مربیان نیز باید با شناسایی این توانایی‌ها، فرزندان و متربیان را در مسیر رشد، هدایت و عزّت‌مندی همراهی کنند.

امام سجاد (ع) نیز در صحیفه سجاده، به این اصل مهم تربیتی توجه ویژه داشته‌اند. در دعای مربوط به رؤیت هلال ماه، چنین عرضه می‌دارند:

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلُمَ؛^۳ ایمان آوردم به آن‌که به‌وسیله تو تاریکی‌ها را روشن ساخت.

حضرت در اینجا، ماه را ستایش می‌کنند که با نور خود، تاریکی‌ها را روشن کرده و ابهامات را برطرف می‌سازد. این ستایش، از منظر تربیتی اشاره به اهمیت کشف و روشن‌سازی استعدادها و نهفته دارد. مربی موفق کسی است که توانایی‌های پنهان متربی را کشف کند، موانع را از مسیر شکوفایی‌اش بردارد، و موجب ارتقای شخصیت و عزّت او گردد.

در دعای چهاردهم، امام (ع) از خداوند چنین مسئلت می‌نمایند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ وَفَّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَ عَلَيَّ وَ رَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَ مِنِّي وَ اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ؛ بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا توفیق ده که هر چه بر من مقدر نموده‌ای،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹.

۳. صحیفه سجاده، دعای ۴۳.

خواه مرا سودمند افتد یا زیانمند، به آسانی بپذیرم و به هر چه مرا داده‌ای یا از من گرفته‌ای خرسند گردان و به راست‌ترین راه‌ها هدایت‌م نمای و به سالم‌ترین کارها برگمار.^۱

این دعا، درخواست برای به‌کارگیری انسان در کاری است که با فطرت و توانمندی‌های درونی‌اش سازگارتر باشد. چراکه خداوند با حکمت و عدل خویش، استعدادها را خاصی در وجود هر انسان نهاده و این استعدادها ابزار دستیابی به سعادت و هدایت‌اند. کشف این قابلیت‌ها وظیفه‌ی مربیان توانمند است؛ آنان باید با استعانت از خداوند، زمینه‌ی رشد این توانایی‌ها را فراهم آورند.

۵. روش موعظه و اندرز

یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی انسان‌ها که قرآن کریم به آن اهتمام فراوان ورزیده، «موعظه و اندرز» است. در بسیاری از آیات، این شیوه تربیتی مورد سفارش قرار گرفته و خود قرآن نیز کتابی است سراسر موعظه که از سوی پروردگار برای درمان بیماری‌های درونی انسان و دستیابی به فضایل اخلاقی نازل شده است.

چنان‌که در آیه‌ای می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ^۲؛ ای مردم، برای شما از سوی پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و درمانی برای بیماری‌های درون، و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان.

قرآن کریم سرشار از ارشاد و اندرز است. سوره لقمان و سایر قصص قرآنی، بیش از هر چیز، جنبه‌ی تربیتی و پندآموز دارند. لقمان حکیم، برای تربیت فرزند خود، به ابزار موعظه و نصیحت متوسل می‌شد.^۳

موعظه و اندرز در تربیت انسان، ضرورتی اساسی محسوب می‌شود. با آنکه انسان دارای فطرتی خداشناس و آگاه به نیکی و بدی است، اما مشغله‌های فراوان زندگی و دلبستگی به امور دنیوی، غالباً سبب غفلت از این آگاهی شده و غیرخدا در دل انسان جای می‌گیرد. از این‌رو باید با اندرز، نصیحت، و امر به معروف و نهی از منکر، او را متذکر وظایف خویش ساخت و نسبت به آثار و پیامدهای اعمالش هشدار داد.

۱. همان، دعای ۱۴.

۲. یونس: ۵۷.

۳. لقمان: ۱۳.



بر پایه روایات، موعظه سبب از بین رفتن غفلت،^۱ بیداری قلب^۲ و زدودن آلودگی‌های درونی انسان می‌شود و ضمیر آدمی را جلا می‌بخشد.^۳

امام سجاد (ع) در بیان ضرورت پند و اندرز، به یکی از مهم‌ترین وظایف پیامبر (ص)، یعنی موعظه و نصیحت، اشاره می‌کنند. ایشان در دعای چهل و دوم صحیفه سجاده چنین می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَصَدِّعْ بِأَمْرِكَ وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ؛^۴ بار خدایا، بر محمد، بنده و پیامبر خویش، درود فرست؛ همان‌گونه که پیام تو را به مردم رساند، فرمان تو را آشکارا بیان کرد، و بندگان را با پندهای نیکو نصیحت نمود.^۵

در پایان همین دعا، امام سجاد (ع) بار دیگر این وظیفه خطیر را یادآور می‌شوند و از خداوند به‌خاطر انجام آن از سوی پیامبر (ص)، طلب پاداش می‌نمایند:

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ وَأَدِّ مِنْ آيَاتِكَ وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنِ؛^۶ بار خدایا، محمد را به پاس رساندن پیام‌های تو، بیان آیات، اندرز بندگان، و جهاد در راهت، بهترین پاداشی را عطا فرما؛ پاداشی برتر از آن‌چه به فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و برگزیده‌ها عطا کرده‌ای.

امام سجاد (ع) در صحیفه مبارکه سجاده، بسیاری از ادعیه را با عنصر موعظه و اندرز تلفیق کرده‌اند؛ به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از دعاهاى آن حضرت، در حقیقت موعظه‌هایی حکیمانه‌اند که با زبان دعا بیان شده‌اند و ظرفیت فراوانی برای شرح و تفسیر دارند.

از جمله نمونه‌های برجسته، دعای هشتم صحیفه است که از آغاز تا پایان، سرشار از اندرزهای لطیف و ژرف است. امام سجاد (ع) در این نیایش، با بیانی بسیار دلنشین، به تبیین آفات و آسیب‌های اخلاقی می‌پردازند و از خداوند متعال، پناه از این رذایل را طلب می‌نمایند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرَصِ وَسَوْرَةِ الْغَضَبِ وَغَلَبَةِ الْحَسَدِ وَضَعْفِ

۱. «بِالْمَوَاعِظِ تَنْجَلِي الْغَفْلَةَ»، عیون الحکم و الموعظ، ص ۱۸۷، ح ۳۸۰۷.

۲. «ثَمَرَةُ الْوَعْظِ الْإِثْبَاتُ»، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۲۴، ح ۴۵۳۱.

۳. «فِي الْمَوَاعِظِ جَلَاءُ الصُّدُورِ»، عیون الحکم و الموعظ، ص ۳۵۴، ح ۵۹۸۷.

۴. صحیفه سجاده، دعای ۴۲.

۵. همان.

الصَّبْرِ وَ قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ وَ إِيحَاحِ الشَّهْوَةِ وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ
الْهَوَى وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى وَ سِنَةِ الْغَفْلَةِ وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ وَ إِيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ
وَ الْإِصرَارِ عَلَى الْمَأْثِمِ وَ اسْتِصْغَارِ الْمُعْصِيَةِ وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْثِرِينَ
وَ الْإِزْزَاءِ بِالْمُقَلِّلِينَ وَ سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ
الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا أَوْ أَنْ نَعُصِدَ ظَالِمًا أَوْ نَخْذُلَ مُلْهُوفًا أَوْ نُرْوِمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ أَوْ نَقُولَ
فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشٍّ أَحَدٍ وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا وَ
نَمُدَّ فِي آمَالِنَا وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ وَ احْتِفَارِ الصَّغِيرَةِ وَ أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا
الشَّيْطَانُ أَوْ يَنْكَبِنَا الزَّمَانُ أَوْ يَتَهَضَّنَا السُّلْطَانُ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ وَ
مِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ وَ مِنْ
مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ وَ مَيْتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعَظْمَى وَ الْمُصِيبَةِ
الْكُبْرَى وَ أَشَقَى الشَّقَاءِ وَ سُوءِ الْمَأَبِ وَ حِرْمَانِ الثَّوَابِ وَ حُلُولِ الْعِقَابِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛^۱ بار خدایا، به تو پناه می‌برم از شر آزمندی،
شدت خشم، غلبه حسد، ضعف صبر، اندک بودن قناعت، بدخویی، اصرار
شہوت، چیرگی تعصب، پیروی از هوای نفس، مخالفت با هدایت، غفلت،
تکلف، ترجیح باطل بر حق، اصرار بر گناه، کوچک شمردن معصیت، بزرگ
انگاشتن طاعت، تفاخر توانگران، تحقیر نیازمندان، بدرفتاری با زیردستان،
ناسپاسی نسبت به نیکوکاران، یاری ظالمان، بی‌اعتنائی به ستم‌دیدگان، تمایل
به چیزی که حق ما نیست، سخن گفتن بی‌علم، فریب دیگران، خودپسندی،
گرفتار شدن به آرزوهای دور، سوء باطن، تحقیر گناه کوچک، سلطه شیطان،
بی‌مهری روزگار، ستم پادشاه، اسراف، تهیدستی، شادی دشمنان، نیازمندی به
هم‌رتبه‌ها، زندگی در دشواری، مرگ بدون آمادگی، حسرت بزرگ، مصیبت
عظیم، بدبختی شدید، بدفرجامی، محرومیت از ثواب، و گرفتار شدن به
عذاب... بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا و همه مردان و
زنان مؤمن را از همه آنچه پاد شد، به رحمت خود در امان دار؛ ای مهربان‌ترین
مهربانان.

۱. همان، دعای ۸.

این سبک بیان نشان می‌دهد که امام علیه السلام چگونه آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را در قالب دعا به مخاطب عرضه می‌دارند. چنین رویکردی، جایگاه ویژه‌ای برای موعظه در فرآیند تربیت ترسیم می‌کند. بر این اساس، موعظه و اندرز نه تنها ابزار ارتباطی پیامبران و اولیای الهی است، بلکه در تربیت فرزندان توسط والدین و مربیان نیز نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که با زبانی لطیف، خیرخواهانه و غیرتحکمی ارائه شود.

موعظه و اندرز باید با زبانی گویا، منطقی و سرشار از محبت و عاطفه بیان شود تا در دل مخاطب اثر گذارد؛ نه آن‌که با خشونت، تندی، تنبیه و... همراه باشد. پند و خیرخواهی زمانی مؤثر است که با بهترین شیوه ارائه گردد.

امام سجاده علیه السلام در یکی از دعا‌های صحیفه سجادیه، در مقام طلب توبه، با بیانی زیبا و لطیف نیایش کرده‌اند و فرموده‌اند:

۶۳



اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالُ ثَلَاثٍ وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ: يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ وَ نَهَيْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا وَ يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلُكَ عَلَيَّ مِنْ أَقْبَلِ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ وَ وَقَدْ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ وَ إِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ؛^۱ ای پروردگار من، سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی‌دارد و تنها یک ویژگی مرا بدان وامی‌دارد: یکی فرمانی که دادی و در اجرای آن سستی کردم؛ دیگر نهی‌ای که کردی و شتابان بدان روی آوردم؛ سوم نعمتی که بخشیدی و در شکرگزاری‌اش کوتاهی کردم. و آن ویژگی که مرا بر درخواست وادار می‌کند، فضل و احسان توست بر آنان که با امید و حسن ظن به سوی تو می‌آیند؛ که همه احسان‌های تو از سر تفضل است و همه نعمت‌های بی‌مقدمه و پیشینه شایستگی.

در این دعا، امام علیه السلام با بیانی خاص و ساختاری تأمل‌برانگیز، شیوه صحیح موعظه را به ما می‌آموزند؛ شیوه‌ای مبتنی بر دقت، منطق و محبت.

نصیحت و اندرز نباید صرفاً در قالب امر و نهی مستقیم ارائه شود؛ چرا که مخاطب ممکن است آن را نپذیرد. از منظر روان‌شناسی نیز، در برخی دوره‌های سنی مانند جوانی، پذیرش امر و نهی آشکار دشوار است و مخاطب از شنیدن آن گریزان خواهد بود. بنابراین، باید از روش‌های لطیف‌تری بهره

۱. همان، دعای ۱۲.

برد تا اندرز در دل مخاطب جای گیرد.

امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه، اندرز و موعظه را با بیانی زیبا، دقیق و دل‌نشین عرضه می‌کنند؛ به گونه‌ای که نه تنها مخاطب از آن گریزان نیست، بلکه مشتاق شنیدن آن می‌شود. در دعای یازدهم، ایشان چنین نیایش می‌کنند:

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ وَلَا تُلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا وَ يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا؛^۱ خداوند، اگر ما را آسایشی مقدر فرموده‌ای، چنان کن که به هنگام آسایش در امان مانیم؛ نه گناهی ما را گرفتار سازد و نه ملالتی به ما رسد، تا فرشتگانی که گناهان ما را می‌نویسند، با صحیفه اعمال ما بی آنکه در آن گناهی نوشته شده باشد از نزد ما بازگردند و فرشتگانی که ثواب‌های ما را می‌نویسند، شادمان با صحیفه‌ای نوشته از اعمال نیک ما به نزد تو آیند.

در این بیانات، امام علیه السلام به زبان نیایش، پند و اندرز را به گونه‌ای ارائه می‌فرمایند که هم دل‌نشین و هم مؤثر است. آن حضرت از همین طریق، به اهمیت اندرز در تربیت پرداخته و راه‌های رسیدن به سعادت آخرت را آموزش می‌دهند؛ و در عین حال، شیوه‌های صحیح ارائه موعظه را نیز به صورت عملی نشان می‌دهند.

بر این اساس، والدین و مربیان نیز موظف‌اند در فرآیند تربیت دینی و اسلامی فرزندان و متربیان، از شیوه‌های درست و دل‌پذیر برای پند و اندرز بهره گیرند و راه صحیح و ناصحیح را به آنان بنمایانند. نکته مهم آن است که در نصیحت و اندرز نباید زیاده‌روی شود. همچنین، مناسب است مربیان با اشاره، تعریض و کنایه، تربیتی را نصیحت کنند و تا زمانی که ضرورت اقتضا نکرده، از آشکارگویی و تصریح به تخلف‌ها پرهیز نمایند؛ چرا که: اولاً، تصریح و آشکارگویی، هیبت مربی را فرو می‌ریزد و موجب جرأت‌مندی در ارتکاب خطاها می‌شود؛ ثانیاً، سبب می‌گردد تربیتی با حرص و لجاجت بیشتری بر رفتار نادرست خود پافشاری کند.

۶. روش عفو و تغافل

از جمله شیوه‌های پسندیده در تربیت، روش عفو و تغافل است. عفو، اکسیری مؤثر و پُرثمر در تربیت دینی به‌شمار می‌آید. در تعریف آن آمده است:

۱. همان، دعای ۱۱.

«الْعَفْوُ هُوَ التَّجَاوُزُ عَنِ الذُّنُوبِ وَمَحْوُهَا عَنِ الْعَبْدِ»^۱؛ یعنی عفو، گذشت از گناهان و زدودن آثار آن از وجود بنده است.

گذشت از لغزش و تقصیر دیگران، از جمله مکارم اخلاق و آداب معاشرت محسوب می‌شود. اگر انسان‌ها در احقاق حقوق خود همواره با سخت‌گیری رفتار کنند، روح صفا و صمیمیت از جامعه رخت خواهد بست. در قرآن کریم نیز به عفو امر شده است:

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ^۲؛ یعنی گذشت را پیشه کن و به کار نیک فرمان ده.

در برخی آیات افزون بر عفو، واژه "صفح" نیز به کار رفته است؛ که معنایی رساتر از عفو دارد. صفح، افزون بر گذشت، دلالت بر نادیده گرفتن خطا نیز دارد. در واقع، عفو و چشم‌پوشی زمانی ارزشمندند که فرد قدرت انتقام داشته باشد، ولی آگاهانه از آن چشم می‌پوشد.

در صحیفه مبارکه سجاده نیز، امام سجاد (ع) در مقام مناجات با خداوند، بارها از عفو و گذشت الهی نسبت به گناهان بندگان یاد کرده‌اند. این ویژگی نه تنها در تربیت انسان‌ها توسط پروردگار، بلکه در تربیت فرزندان و متریان توسط والدین و مربیان نیز نقش برجسته‌ای دارد. آن حضرت با زبان نیایش، به تمام مسئولان تربیت می‌آموزند که در مواجهه با خطاهای تربیتی باید به روش عفو و گذشت تمسک جست.

در دعای شانزدهم صحیفه، چنین می‌فرمایند:

أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ^۳؛ تویی که رحمت و علمت همه چیز را فرا گرفته است. تویی که هر آفریده را در نعمت‌های بهره‌ای داده‌ای. تویی که بخششت بر کیفر برتری دارد. تویی که رحمت بر غضبت پیشی گرفته است.

امام سجاد (ع) در این دعای شریف بیان می‌دارند که عفو و گذشت الهی، بر عقاب و مجازات پیشی دارد و رحمت الهی، بر غضب او مقدم است. این سخن گویای آن است که هر فردی که مسئولیت تربیت را بر عهده دارد، می‌بایست از این شیوه الهی بهره گیرد؛ و در برابر خطاهای قابل گذشت متریان، با چشم‌پوشی و مدارا رفتار کند.

۱. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. اعراف، ۱۹۹.

۳. صحیفه سجاده، دعای ۱۶.

در دعای بیستم، حضرت از خداوند درخواست می‌فرمایند که پایان عمرشان با بخشش الهی همراه باشد:

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَ حَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي؛^۱ بارخدایا! پایان عمرم را با گذشت خود رقم زن و امیدم را با رجاء به رحمت تحقق بخش.

همچنین در دعای دهم نیز همین درخواست تکرار می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَغْفُ عَنَّا فَيَفْضَلِكَ، وَإِنْ تَشَأْ تُعَذِّبُنَا فَيَعْدَلُكَ، فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ، وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ؛^۲ ای خداوند، اگر بخواهی ما را ببخشی، از فضل توست؛ و اگر بخواهی ما را کیفر دهی، از عدل توست. پس از روی منت خویش، عفو و گذشت را بر ما آسان کن و با چشم‌پوشی‌ات ما را از عذابت رهایی بخش؛ که ما را توان تحمل عدل تو نیست و اگر گذشت تو نباشد، هیچ‌کس از ما نجات نخواهد یافت.

این عفو و گذشت نباید تنها از جانب خداوند باشد؛ بلکه بندگان نیز باید از این صفت الهی بهره گیرند و آن را در زندگی روزمره خود جاری سازند. به‌ویژه پدران، مادران و مربیان که مسئولیت خطیر تربیت را بر دوش دارند، باید در تربیت از این روش بهره‌مند باشند.

امام سجاده^{علیه السلام} در بخش‌های متعدد صحیفه سجادیه به این موضوع اشاره فرموده‌اند؛ از جمله در دعای بیست‌وششم که مربوط به همسایگان و دوستان است، چنین می‌فرمایند:

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزِي بِالْإِحْسَانِ مُسِيئُهُمْ وَ أَعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ وَ اسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ وَ اتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَتَهُمْ وَ اغْضُ بِصَرِي عَنْهُمْ عِفَّةً وَ أَلِيْنُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعاً وَ أَرْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً وَ أَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً وَ أَجِبْ بَقَاءِ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحاً وَ أَوْجِبْ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَتِي وَ أَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاصَّتِي؛^۳ بارخدایا، مرا برگمار که همسایگان و دوستان بد کردار خود را به نیکی پاداش دهم و از ستمکارشان در گذرم و از بد گمانی در حق ایشان بپرهیزم و با همگان مشفق و مهربان باشم و پاس پاکدامنی را دیده از

۱. همان، دعای ۲۰.

۲. همان، دعای ۱۰.

۳. همان، دعای ۲۶.

نگریستن بر بندم و با آنان از روی تواضع به نرمی سر کنم و بر دردمندان به رحمت نظر کنم و در غیبت ایشان مودت خویش نشان دهم و از روی خیرخواهی خواستار دوام نعمتشان باشم و هر چه برای خویشاوندان خود می‌خواهم برای ایشان بخواهم و هر چه برای خاصان خود منظور می‌دارم برای ایشان منظور دارم.

امام سجاد (ع) نه تنها از خداوند درخواست عفو برای خویش دارند، بلکه خود نیز نسبت به دیگران اهل گذشت‌اند. در دعای سی‌ویکم می‌فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَعُدْ عَلَى سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ، وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَابْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ، وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ؛^۱ بارخدایا، بر محمد و آل او درود فرست و کرامتت را شفیع خطاهایم گردان. به بخشش خود، گناهانم را ببخش و مرا با کيفر سزاوار، مجازات مکن. احسانت را بر من گسترده دار و مرا در پرده لطف خود بپوشان.

متن شما ساختارمند و معناگراست، علی جان، اما برای ارتقای روانی، انسجام مفهومی، و وضوح تربیتی آن، ویرایش زیر پیشنهاد می‌شود. تلاش کرده‌ام در قالبی ادبی و محکم، روح دعا و پیام تربیتی را حفظ کنم:

آخرین فراز مورد اشاره، عبارتی است ژرف، جامع و زیبا که حاوی مفهومی تآم و لطیف است. امام سجاد (ع) در این بخش از دعا چنین می‌فرماید:

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوْتَنَا، وَامْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا، وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا؛^۲ پروردگارا! ثبت اعمال ما را بر فرشتگان نویسنده آسان گردان، نامه‌های اعمال ما را از حسنات پر ساز و ما را به سبب کردار زشت، نزد ایشان خوار مفرما.

مقصود این دعا آن است که ای خداوند، پیش از آنکه فرشتگان مأمور ثبت اعمال، لغزش‌هایم را بنویسند، با رحمت خویش همه را ببخش و گویی هیچ‌گاه مرتکب نشده‌ام. این سطح از عفو، اوج رأفت الهی و دعوتی مؤثر برای تربیت رحمت‌محور است.

از دیگر شیوه‌های تربیتی مؤثر، روش تغافل است؛ شیوه‌ای کاربردی، سازنده و عزت‌آفرین. تغافل

۱. همان، دعای ۳۱.

۲. همان، دعای ۶.

یعنی انسان از رفتار یا گفتاری ناروا آگاه باشد، اما آگاهانه و با اختیار، خود را نسبت به آن بی‌خبر نشان دهد. این رفتار بر اساس اصل کرامت انسانی استوار است. قوت و ضعف‌های روانی فرد در احساس عزت او مؤثرند و تغافل، راهی برای حفظ عزت و شخصیت تربیتی اوست. در روایات، تغافل از جمله صفات برجسته اخلاقی و تربیتی معرفی شده است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ^۱؛ «نیمی از عاقل، تحمل و بردباری است و نیمی دیگر آن تغافل و چشم‌پوشی».

ایشان تغافل را از برترین صفات انسان باکرامت دانسته، و نسبت به بی‌توجهی نسبت به امور پست و کم‌ارزش چنین توصیه می‌کنند:

وَلَا تُدَاقُوا النَّاسَ وَزُنًا يَوْزُنُ، وَ عَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ^۲؛
 مردم را با ریزبینی نکاوید و با چشم‌پوشی از امور پیش‌پا افتاده، منزلت خود را ارجمند سازید.

در جایگاهی مناسب، تغافل نه تنها مذموم نیست، بلکه نشانه بزرگواری، عزت‌نفس و تدبیر در ارتباطات انسانی است. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَفْلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ^۳؛ «از شریف‌ترین اعمال انسان بزرگوار آن است که از آنچه می‌داند، تغافل ورزد».

امام سجاده علیه السلام نیز در دعای یازدهم صحیفه سجادیه، از تغافل الهی سخن می‌گویند. ایشان با لحنی ستایش‌گر چنین عرضه می‌دارند:

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِيَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا وَ لَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي وَ حَسَدَةِ نِعْمَتِكَ عِنْدِي ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءٍ مَا عَهَدْتَ مِنِّي؛ ای خداوند من، حمد باد تو را، بسا پرده بر عیب‌های من کشیده‌ای و رسوایم نساخته‌ای، بسا گناهان من نهان داشته‌ای و مرا شهره شهر نکرده‌ای، بسا

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۹، ح ۹۱۹۹.

۲. تحف العقول، ص ۲۲۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۲.

آلودگی‌ها که مرا هست و تواش فاش نساخته‌ای و نشان بدنامی به گردنم
 نیاویخته‌ای و از همسایگان من، عیب‌جویان مرا و کسانی را که بر نعمتی که بر
 من عنایت کرده‌ای حسد می‌برند، از عیب و عار من آگاه نکرده‌ای. این همه مرا
 از آن باز نداشت که از ادامت اعمال ناپسند خود که تو بر آنها آگاهی ندامت
 جویم.

این دعا بیانگر آن است که تغافل الهی، فرصتی برای اصلاح و بازگشت است؛ نه بی‌توجهی به
 خطا، بلکه دعوتی پنهان به تربیت کریمانه. اگر چنین روشی از سوی مربی، والدین یا مسئولان تربیت
 در پیش گرفته شود، اثر تربیتی آن ژرف و پایدار خواهد بود.

از همین‌رو، با توجه به سیره امام سجاد (ع) در بهره‌گیری از روش‌های عفو و تغافل، روشن
 می‌شود که این دو اصل در تربیت دینی جایگاه ویژه‌ای دارند. لذا شایسته است همه افراد، به‌ویژه آنان
 که مسئولیت تربیت را برعهده دارند، این دو اصل را در زندگی و ارتباطات خود جاری سازند.

۷. روش تشویق و تنبیه

یکی از شیوه‌های مؤثر و نقش‌آفرین در تربیت، روش تشویق و تنبیه است که در ادبیات دینی با
 اصطلاح «تبشیر و انداز» نیز شناخته می‌شود. تشویق، تأثیر فوق‌العاده‌ای در تربیت انسان دارد و از
 نیازهای بنیادین بشر به‌شمار می‌آید؛ گاه یک تشویق می‌تواند سرنوشت فرد را متحول سازد. از این‌رو،
 خداوند متعال، پیامبران و امامان (ع) نیز در تربیت انسان‌ها از این روش بهره برده‌اند.

خداوند متعال در تشویق و تمجید از اخلاق پیامبر خویش در قرآن می‌فرماید:
 «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱؛ تو صاحب اخلاقی عظیم و بزرگوارانه هستی.

همچنین در تشویق صابران و گرفتاران مصیبت، می‌فرماید:

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ؛ اینان کسانی‌اند

که درود و رحمت پروردگار بر آنان نازل شده، و هم‌ایشان هدایت‌یافتگان‌اند.

در مقابل، برای تنبیه نافرمانان و عاصیان نیز، در قرآن موارد متعددی آمده است؛ از جمله آنجا
 که می‌فرماید:

قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ؛ پس از آن بیرون شو، که تو رانده‌شده‌ای.

حضرت امام سجاد (ع) نیز روش تشویق و تنبیه را از شیوه‌های مؤثر تربیتی دانسته‌اند و در روایات
 متعددی، رفتار ایشان در این زمینه نقل شده است. در روایتی امام باقر (ع) می‌فرماید:

۱. قلم: ۴.

إِنَّ أَبِي نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَ مَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَ الْإِبْنُ مُتَّكِئٌ عَلَى ذِرَاعِ الْآبِ، قَالَ فَمَا كَلِمَةُ أَبِي عٍ مُّقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا؛ پدرم مردی را دید که همراه پسرش راه می‌رفت و پسر بر دست پدر تکیه زده بود. از این رفتار چنان ناخشنود شد که تا پایان عمر با آن پسر سخن نگفت.

امام سجاده علیه السلام در موارد متعددی از صحیفه سجادیه نیز از روش تشویق بهره برده‌اند و با زبان نیایش، از خداوند طلب پاداش برای گروه‌های مختلف کرده‌اند. این نشان‌دهنده آن است که ایشان، تشویق را شیوه‌ای مؤثر در تربیت انسان‌ها می‌دانند.

در دعای دوم صحیفه، ایشان چنین می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ فَارِغْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلَةٍ وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ وَلَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ؛^۱ خدایا! پیامبر را در برابر زحماتی که برای تو متحمل شد، او را به بالاترین درجات بهشت برسان، تا جایی که هیچ کس با او برابر نباشد و در هیچ مرتبه‌ای با وی هم‌رتبه نگردد و در نزد تو هیچ ملک مقرب و هیچ پیامبر مرسل با او برابری نکند».

در دعای چهارم نیز، حضرت برای تابعان پیامبران چنین دعا می‌کنند:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ صَلَاةً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَ تَنْفُسُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَاثُواكَ عَلَيْهِ مِنْ بُرٍّ وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ؛^۲ بار خدایا، بر تابعان و زنان و فرزندان ایشان و هر که از ایشان مطیع فرمان تو باشد، از امروز تا روز باز پسین درود بفرست؛ درودی که به برکت آن، ایشان را از نافرمانی خود بازدارد و باغ‌های بهشت به رویشان گشاده گردانی و از کید شیطان‌شان نگهداری و چون در کاری نیک از تو مدد خواهند، یاریشان کنی و از هر پیشامدی حفظشان کنی مگر آنچه خیرشان در آن باشد».

در به‌کارگیری روش تشویق، باید توجه داشت که میزان پاداش، متناسب با کیفیت و عظمت عمل باشد و به بهترین شکل ممکن ارائه گردد. این نکته بسیار مهمی است که در تربیت باید مورد توجه قرار گیرد.

امام سجاده علیه السلام نیز هنگامی که در صحیفه سجادیه از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام یاد می‌کنند، از خداوند برای آنان عالی‌ترین پاداش‌ها را طلب می‌فرمایند:

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲.

۲. همان، دعای ۴.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَآتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ؛^۱ بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست، بیشترین درودی که به یکی از آفریدگان خویش فرستاده‌ای و از سوی ما او را بهترین چیزی عطا کن که به یکی از بندگان خویش عطا کرده‌ای و برترین و کرامندترین پاداشی ارزانی دار که بر پیامبران خود از سوی امتشان ارزانی داشته‌ای. تو هستی که نعمت‌های کرامند می‌دهی و تویی که گناهان بزرگ را می‌آمرزی.

این عبارات، صرفاً دعایی ساده از زبان امام سجاد (ع) نیستند، بلکه کلماتی که از ایشان صادر شده، بیانگر سیره عملی آن حضرت در زندگی است که با زبان نیایش مطرح گردیده. از آن‌جا که گفتار و رفتار اهل بیت (ع)، که معصوم‌اند، همواره با یکدیگر هماهنگ و بدون اختلاف است، هنگامی که امام سجاد (ع) از خداوند درخواستی دارند و طلب پاداشی از درگاه الهی می‌کنند - که نوعی تشویق به شمار می‌رود - روشن است که خود ایشان نیز در زندگی از همین روش در تربیت دیگران بهره برده‌اند و ما را نیز به آن توصیه و سفارش کرده‌اند.

در کنار تشویق، تنبیه نیز از موضوعات مهم تربیتی و از راه‌های برخورد با رفتارهای ناشایست و خطاست. تنبیه به معنای هوشیارسازی، تذکر، بیدار کردن و توجه دادن است. تربیت صحیح مستلزم بهره‌گیری از هر دو روش تشویق و تنبیه است؛ البته باید یادآور شد که در اسلام، جز در موارد بسیار استثنائی و با رعایت شرایط و ضوابط خاص، تنبیه بدنی روش مناسبی برای تربیت اخلاقی و اسلامی محسوب نمی‌شود.^۲

از جمله نکات ارزشمند در صحیفه سجاده، دعایی است که امام سجاد (ع) در مورد پدر و مادر بیان کرده‌اند. ایشان در این دعا با عبارتی دقیق و پرمهر، از خداوند درخواست می‌کنند که هیبت پدر و مادر را در چشم من همچون هیبت پادشاهی مستبد و ستمکار قرار دهد. این تعبیر بدین معناست که از پدر و مادر خویش ترس و هیبتی داشته باشم، همانند ترس از پادشاهی ظالم. امام (ع) با بیان این جمله، در مقام تأکید بر این نکته هستند که اگرچه والدین سرشار از مهر و عطوفت‌اند، فرزند باید از عواقب تربیتی رفتار نادرست خویش آگاه باشد و از تنبیه والدین، بیم در دل داشته باشد؛

۱. همان، دعای ۶.

۲. دوران طلایی تربیت، ص ۲۰۸ - ۲۰۹.

چنان‌که انسان از پادشاهی مقتدر و سخت‌گیر هراس دارد، تا منتظر هر گونه واکنشی از سوی ایشان باشد.

آن حضرت در این دعا چنین می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ وَأَبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ وَأَسْتَكْثِرَ
 بِرَّهُمَا بِي وَإِنْ قَلَّ وَأَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ. اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي وَأَطْبِ
 لَهُمَا كَلَامِي وَأَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي وَاعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا وَ
 عَلَيْهِمَا شَفِيقًا. اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي وَأَثْنُهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا
 حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي؛^۱ بار خدایا، چنان کن که هیبت پدر و مادرم در دل من
 چنان باشد که هیبت پادشاهی سخت مهیب، و به آن دو نیکی و مهربانی کنم
 آن سان که مادری مهربان به فرزند خود نیکی و مهربانی کند. خداوندا،
 فرمانبرداری از پدر و مادر و نیکی و مهربانی مرا در حق ایشان برای من شادی
 بخش‌تر گردان از به خواب رفتن بی‌خوابی کشیدگان و آب سرد نوشیدن جگر
 سوختگان، تا میل و خواهش ایشان را بر میل و خواهش خویش برتری نهم و
 خشنودیشان را بر خشنودی خود پیش دارم. خداوندا، چنان کن که نیکی و
 مهربانی آن دو را در حق خود بسیار شمرم هر چند اندک بود و نیکی و مهربانی
 خود را در حق آن دو اندک شمرم هر چند بسیار بود. خداوندا، آواز مرا در پیشگاه
 ایشان پست گردان و سخنم را خوشایندشان نمای و با ایشان نرمخویم ده و دل
 من بر ایشان مهربان ساز و چنان کن که با آنان به مدارا رفتار کنم و بر آنان مشفق
 باشم. خداوندا، آن دو را پاداش ده که مرا پرورده‌اند و از ثواب بهره‌مند گردان که
 مرا گرامی داشته‌اند، و حق ایشان نگه‌دار که مرا در خردی محافظت کرده‌اند»

در دعای سیزدهم صحیفه سجادیه نیز، امام علیه السلام از شدت کفر الهی برای برخی بندگان سخن

گفته و فرموده‌اند:

الرَّبَّانِيَّةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ، ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا وَلَمْ
 يُنْظَرُوهُ»؛^۲ یعنی فرشتگانی که نگهبان دوزخ‌اند، هرگاه به آنان گفته شود: «او را
 بگیرید، به زنجیر کشید و به آتش افکنید»، بی‌درنگ اقدام می‌کنند و به او

۱. همان، دعای ۲۴.

۲. همان، دعای ۳.

هیچ گونه مهلتی نمی دهند.

با توجه به این مطالب، روشن می شود که روش های تشویق و تنبیه از شیوه های مؤثر در تربیت اند و آثار اخلاقی و تربیتی فراوانی دارند؛ بنابراین شایسته است همه، به ویژه والدین و مربیان، در تربیت دینی و اسلامی فرزندان و متربیان، این اصول را مد نظر قرار داده و به کار گیرند.

۸. روش تکریم و پرهیز از تحقیر

تکریم و حفظ کرامت انسان از روش های مهم تربیتی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. بزرگداشت شخصیت و پرهیز از تحقیر، موجب حفظ و تقویت عزت نفس و کرامت انسانی شده و مانع از آسیب دیدن آن می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام همواره بر کرامت انسان تأکید داشته اند و از هرگونه تحقیر دیگران پرهیز می کردند. آنان همچنین دیگران را نیز از تحقیر مردم باز می داشتند. از این رو، بر والدین و مربیان واجب است که در مسیر تربیت فرزندان و متربیان، بر اساس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، از هرگونه رفتار تحقیرآمیز خودداری کرده و کرامت آنان را حفظ نمایند. همچنین لازم است به متربیان بیاموزند که آن ها نیز از تحقیر دیگران پرهیز کنند و احترام و کرامت سایر افراد را پاس بدارند.

از منظر امام سجاده علیه السلام، همه مخلوقات الهی دارای حرمت اند و کرامت شان باید مورد توجه قرار گیرد. در سراسر صحیفه سجادیه، سخنان حضرت زین العابدین علیه السلام مملو از احترام و تکریم نسبت به مخلوقات الهی است. ایشان در دعای سوم صحیفه که درباره حاملان عرش و فرشتگان سخن می گویند، با بیانی آمیخته از ادب، کرامت و احترام، دعای خود را عرضه می دارند؛ تا جایی که انسان از این روح بزرگوار مبهوت می شود. این دعا سرشار از تکریم فرشتگان است، هرچند برخی فرازهای آن جلوه بیشتری دارد.

برای نمونه، زمانی که ایشان درباره فرشتگانی با مقام پایین تر نسبت به دیگر ملائکه سخن می گویند، چنین عرضه می دارند:

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سَكَّانِ سَمَاوَاتِكَ وَ أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَاءَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَ لَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ وَ لَا تَسْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ وَ لَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهُوُ الْغَفَلَاتِ. الْحُشْعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ، النَّوَكِسُ الْأَذْفَانِ، الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَايِكَ وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبَرِيَايِكَ وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ،

سُبْحَانَكَ مَا عَبدُكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ؛^۱ بر آنها درود بفرست و بر فرشتگانی که فروتر از آنهایند: آنان که ساکنان آسمان‌های تواند و امینان رسالت‌های تو. هر چه کوشش کنند، خستگی بر خود نبینند و هر چه تحمل رنج کنند، درماندگی و سستی نپذیرند. خواهش‌های دل از تسبیح تو بازشان ندارد و سهوها و غفلت‌ها از تعظیم تو رویگردانشان نسازد. از خشوع دیده بر هم نهاده‌اند و یارای نگرستن در تو را ندارند. سر فرو داشته‌اند و رغبتشان به چیزهایی که در نزد توست بسیار است. همه آزمندی‌شان یاد نعیم توست و در برابر عظمت تو و جلال کبریای تو به تواضع سر به زیر افکنده‌اند و چون به لهیب دوزخ تو بنگرند و نهی‌ش را بر گنهکاران بشنوند، گویند که پروردگارا منزه‌ی تو، تو را آن چنان که سزاوار پرستش توست نپرستیده‌ایم.

حضرت امام سجاده علیه السلام در هنگام یادکرد اصحاب و یاران راستین پیامبر صلی الله علیه و آله، چنان با تکریم و احترام از آنان سخن می‌گوید که هر شنونده‌ای آرزو می‌کند در زمره ایشان قرار گیرد تا مشمول دعای امام علیه السلام شود.

ایشان در بخشی از این دعا چنین می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ وَ كَانْفُوهُ وَ أَسْرَعُوا إِلَى وَفَادَتِهِ وَ سَابَقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ وَ فَارَقُوا الْأَرْوَاحَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ وَ قَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ بُيُوتِهِ وَ انْتَصَرُوا بِهِ وَ مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ وَ الَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ وَ انْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكُنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ؛^۲ بار خدایا، به آمرزش و خشنودی خود، اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را یاد کن، به ویژه آنان که حق صحبتش نیکو ادا کردند و در نصرتش دلیری‌ها نمودند و به یاری او برخاستند و به دیدار او شتافتند و اجابت دعوتش را بر یکدیگر پیشی گرفتند. چون حجت رسالت خویش به گوششان رسانید، پاسخ قبول دادند و از زن و فرزند خویش برای اظهار دعوت او بریدند و در تثبیت نبوتش با فرزندان و پدران خود پیکار کردند، تا به وجود او

۱. همان، دعای ۳.

۲. همان، دعای ۴.



پیروز شدند. بار خدایا، به آمرزش و خشنودی خود، آن کسان را یاد کن که محبت او در دل داشتند و در بازار مودّت او به تجارتی امید بستند که در آن زیان و کساد راه نیابد و آن کسان را که چون چنگ در ریسمان ولای او زدند، خاندان و عشیرت از ایشان بگسست و چون در سایه پیوند او آر میدند، خویشان پیوند از ایشان ببریدند».

این نوع تکریم امام و حفظ کرامت انسان‌ها که در موارد متعدد صحیفه سجاده دیده می‌شود، بازتاب سیره عملی آن حضرت است. ایشان همواره کسانی را که شایستگی دارند، با بزرگواری یاد می‌کنند و ارج می‌نهند.

از این‌رو، وظیفه ماست که به سیره امام تمسک جویم و کرامت انسان‌ها را پاس بداریم. حفظ احترام و بزرگداشت شخصیت افراد، آثار تربیتی مؤثری به دنبال دارد؛ به‌ویژه برای والدین و مربیان که مسؤولیت تربیت را بر عهده دارند. آنان باید از روش تکریم بهره‌مند شوند، شأن فرزندان و متربیان را حفظ کنند و از هر گونه رفتار تحقیرآمیز پرهیز نمایند، زیرا تحقیر نه تنها تربیت را مختل می‌کند بلکه آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی به بار می‌آورد.

چنان‌که تکریم و احترام تأثیر بسزایی در تعالی روح و اصلاح رفتار دارد، تحقیر می‌تواند موجب احساس خواری، انزوا و حتی بروز رفتارهای خطرناک نسبت به خود و جامعه گردد، و تمامی تلاش‌های تربیتی پیشین را بر باد دهد.

امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده به نکاتی تربیتی مهمی اشاره فرموده و با زبان نیایش از خداوند درخواست می‌کند که هرگز مرا به بندگان خویش وامگذار، چرا که ممکن است مورد تحقیر واقع شوم. ایشان می‌فرمایند:

... وَ انْظُرْ إِلَيَّ وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِن وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ أَقْمِ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي وَإِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا وَ مَنُوا عَلَيَّ طَوِيلًا وَ ذَمُّوا كَثِيرًا^۱؛ بار خدایا، امورم را به انجام برسان و به من نظر کن و در تمام امورم به من نظر کن، زیرا اگر مرا به خودم واگذاری، از به انجام رساندن امورم ناتوان خواهم ماند و به آنچه مصلحت من در آن است نخواهم پرداخت و اگر مرا به آفریدگان و بندگان واگذاری، بر من روی ترش کنند و چهره در هم کشند و اگر

۱. همان، دعای ۲۲.

مرا به پناه خویشاوندانم فرستی، محرومم دارند و اگر دهند، اندک دهند و بی مقدار و بسی بر من منت نهند و مرا مذمت کنند.

در این دعای شریف، امام علیه السلام از تحقیر توسط بندگان خدا سخن گفته و از آن به درگاه الهی پناه می برد؛ که این نشان دهنده تأثیرات منفی و مخرب چنین رفتاری است و ضرورت پرهیز از آن را گوشزد می کند.

ایشان در دعای یازدهم صحیفه سجادیه نیز از خداوند درخواست می نمایند که اعمال مرا بر دیدگان بندگان آشکار مساز، چرا که فاش شدن عیوب موجب تحقیر و ذلت انسان نزد دیگران می شود. وقتی امام سجاده علیه السلام چنین دعایی از خدا طلب می کند، نشانه آن است که این عمل، رفتاری ناپسند و آسیب زا در مسیر تربیت است، به ویژه برای کسانی که مسئولیت تربیت افراد را برعهده دارند. فرموده اند: «وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِرًّا سَرَّتْهُ عَلَيَّ رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ»^۱ در آن روز که بندگان را می آزمایی، پرده ای را که بر گناه ما کشیده ای در برابر همگنان بر مگیر. تویی که بر هر کس که تو را بخواند مهربانی و تویی که به هر کس که تو را ندا دهد پاسخ می گویی».

این آموزه ها از صحیفه مبارکه سجادیه، روش هایی تربیتی اند که نشان می دهند اهل بیت علیهم السلام در فرایند تربیت دینی و اسلامی، چگونه با ظرافت و بصیرت رفتار کرده و کرامت انسانی را پاس داشته اند. بهره گیری از این شیوه ها به ما می آموزد که در مسیر تربیت صحیح باید این اصول را رعایت کنیم تا روند تربیتی دچار آسیب نشود و آثار و برکات تربیت سالم را در رفتار و روح متربیان مشاهده کنیم.

نتیجه گیری

تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی بشر به شمار می آید. واژه «تربیت» در لغت به معنای رشد، نمو، افزایش و اصلاح تلقی می شود و «روش» یا «شیوه» نیز به معنای طریقه، اسلوب، سبک، گونه و منوال است. بنابراین، منظور از «روش های تربیتی»، مجموعه ای از شیوه ها و اسلوب هایی است که به رشد و اصلاح فرد و جامعه کمک می کنند.

تربیت در آموزه های اسلامی جایگاهی بلند دارد و آیات و روایات بسیاری بر اهمیت آن تأکید ورزیده اند تا آن جا که تربیت به عنوان امری واجب و ضروری معرفی شده است. آشنایی با ابعاد مختلف تربیت، ضمن جلوگیری از افراط و تفریط در برخی حوزه ها، مانع از غفلت نسبت به

۱. همان، دعای ۱۱.

زمینه‌های مهم و تأثیرگذار تربیتی خواهد شد. تربیت جسمانی، عقلانی، روحی، عاطفی، معنوی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی و جنسی، از جمله ابعاد مختلف تربیت‌اند که باید مورد توجه قرار گیرند. تربیت زمانی به نتیجه مطلوب منتهی می‌شود که اصول آن در قالب شیوه‌های صحیح و مؤثر به مرحله اجرا درآیند. یکی از اهداف این تحقیق، شناسایی و تبیین روش‌های تربیتی اسلام از منظر امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه است. از جمله مهم‌ترین این روش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پیشگیری و کنترل، الگوسازی، ابراز توانمندی متربی، موعظه و اندرز، محبت، عفو و تغافل، تشویق و تنبیه، و تکریم و پرهیز از تحقیر. به‌کارگیری این روش‌ها در مسیر تربیت، انسان را به مراتب والای رشد و کمال حقیقی رهنمون می‌سازد.



فهرست منابع

۱. ادب الهی؛ کتاب سوم: تربیت فرزند، مجتبی تهرانی، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی، ۱۳۹۴ ش.
۲. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۰۴ ق.
۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۶. دوران طلایی تربیت، محمد علی قاسمی، قم: نور الزهرا (س)، ۱۳۹۳ ش.
۲۲. «رابطه بین زمینه اجتماعی - فرهنگی با شیوه تربیتی والدین، موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان»، اسعدی، محمد و همکاران، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال ۱۲، شماره ۱.
۷. الصحيفة السجادية، علی بن الحسین علیه السلام، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۷۵ ش.
۸. الصحيفة السجادية، علی بن الحسین علیه السلام، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۵ ش.
۹. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر و دارالصادر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا و همکاران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. مجمع البحرين، فخرالدین بن محمد طریحی، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. مجموعه آثار شهید مطهری، مرتضی مطهری، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ ش.

۱۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، احمد بن محمد قیومی، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم و دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. النهاية فی غریب الحديث و الأثر، مبارک بن محمد ابن اثیر جزری، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲۱. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی، تصحیح و تحقیق: صبحی صالح، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.

